

خدای زنده

جلد دوم

بخش صعود و نزول روح القدس

فصل چهاردهم :

تقدیس راز ازدواج

و همکاری با رهبانیت

سطح عالی

بخش ششم

صعود مسیح و آمدن روح القدس

قسمت سوم : روح القدس از راه کلیسا به مسیح شهادت می دهد

فهرست

۷۴۲	فصل چهاردهم: راز تقدیس ازدواج
۷۴۲	۱. عهد و ازدواج در کتاب قدس
۷۴۳	۲. ازدواج «راز مقدس»
۷۴۴	۳. تعلیم خداوند پیرامون ازدواج
۷۴۴	۴. مسائل جنسی از دیدگاه مسیحیت
۷۴۶	۵. یک روح در دو بدن
۷۴۶	۶. از عشق بسوی محبت
۷۴۷	۷. خط مشی زندگی
۷۴۷	۸. پیوند استوار با کمک روح القدس
۷۴۹	۹. کانون گرم خانواده
۷۵۰	۱۰. والدین مسئول
۷۵۱	۱۱. تعلیم و تربیت خانواده
۷۵۲	۱۲. ازدواج، رازی از رازهای هفتگانه
۷۵۴	۱۳. دوران نامزدی
۷۵۵	۱۴. ازدواج بین پیروان مذاهب مختلف
۷۵۶	۱۵. شرایط لازم برای ازدواج، بین دو نفر از فرقه های مختلف مسیحی
۷۵۸	«خلاصه ی تعلیمات رسمی»
۷۵۸	۱۶. دعوت به ازدواج یا رهبانیت
۷۶۳	۱۷. رهبانیت درون گرای جهان شمول
۷۶۴	۱۸. کشیشان و مجرد
۷۶۶	۱۹. گفتاری از پاپ بندیکت شانزدهم
۷۶۸	۲۰. تقدیس ازدواج یا چگونه کانون زناشویی سلول تن مسیح می شود

۷۷۱ .۲۱ دست گذاری زرچین: بیا ای روح القدس تا از تو محبت را یاد

بگیریم

۷۷۲ .۲۲ نیایش از عبادت کلیساهای شرقی به مناسبت راز ازدواج

فصل چهاردهم

راز تقدیس ازدواج

و

هم کاری با رهبانیت

مرد و زن چون یک شود آن یک تویی چونک یک ها محو شد آنک تویی
تا من و توها همه یک جان شوند عاقبت مستغرق جانان شوند (مشوی، دفتر اول، ۷-۷۸۶)

بدن انسان از سلول ها تشکیل شده و این سلول ها باید زنده بمانند تا بدن بتواند به حیات خود ادامه دهد. همین طور برای این که بدن عیسا در بین ما زنده بماند، روح القدس باید همیشه سلول های زنده نوین به تن مسیح وارد کند. با تبدیل کردن زوج ها که آن را می خواهند، تبدیل کردن به سلول تن مسیح یعنی سلول کلیسا بدن عیسا، سلول های کلیسا اضافه نماید: این است راز تاجگذاری و تقدیس عشق زناشویی توسط روح القدس که اصطلاحاً «راز ازدواج» نامیده می شود.

عهد و ازدواج در کتاب مقدس

ابتدا کتاب هوشع باب های ۱-۳ را بخوانیم:

هوشع مثل پیامبران دیگر اعمال نمادین انجام می دهد (مانند ارمیا ۱: ۱۸). در باب ۱-۳ خود زندگی هوشع نبی راز مشیت خدا را آشکار می سازد، هوشع زنی را محبت کرده و باز محبت می کند که به این محبت فقط با بی وفایی و خیانت جواب داده است، به همین صورت یهوه همیشه قوم اسرائیل را که همسر بی وفای خود می باشد محبت می کند و بعد از این که او را با اتفاقات سخت تجربه کرده (تبعید قوم) به او خوشحالی و محبت اول را پس خواهد داد و هم چنین محبت محض و با ثبات به او خواهد داد. احتمال دارد پیامبران قبل از هوشع نبی، آیین مذهبی ای که کنعانیان با بت های خود اجرا می کردند عمل زنا می دانستند (به خاطر آیین فاحشه ی مقدس که در آن آیین و مذهب وجود داشت، مانند خروج ۳۴: ۱۵)

در زمان عبور از صحرا رفتار پر محبت خدا نسبت به قوم خویش به مانند رفتار داماد نسبت به عروس تشبیه می شود چون در کوه سینا خدا با قوم بنی اسرائیل عهد بسته بود بنابراین پرستش یهوه تسط قوم بیانگر ازدواج طبق قانون بود ولی بت پرستی مثل زنا می ماند؛ و در کنعان چون بت پرستان باقی مانده

بودند برای قوم برگزیده بت پرستی و سوسه‌ی همیشگی بود (خروج ۱۶:۳۴). بعد از هوشع این موضوع توسط پیامبران دیگر تکرار خواهد شد (اش ۲۱:۱؛ ارا ۲:۲؛ ۱:۳؛ ۳:۳-۱۲) حزقیال نیز این موضوع را در دو مثال بزرگ شرح می‌دهد (حز ۱۶، ۲۳).

اشعیا دوم (اش باب ۴۰ تا ۵۶) احیا و برگشتن قوم خدا از تبعید را به عنوان آشتی با همسر بی وفا معرفی خواهد کرد (اش ۵۰:۱، ۵۴:۶-۷، ۶۲:۴-۵).

به احتمال قوی می‌توانیم ارتباط یهوه با قوم خویش را در مثل‌های نامزدی غزل غزل‌ها و مزمور ۴۵ درک نماییم و بالاخره در عهد جدید، عیسا زمان آمدن مسیح را به عنوان زمان عروسی معرفی می‌نماید (مت ۱۰:۲۲-۱۰، ۱۳:۲۵-۱۳) و مخصوصاً با معرفی خود به عنوان داماد آشکار می‌کند که عهد ازدواج ما بین خدا و قوم خویش کاملاً در شخص خود به انجام می‌رسد، پولس نیز به این موضوع اشاره میکند (۲ قرن ۱۱:۲، افس ۲۵:۵-۳۳، ۱ قرن ۱۵:۶-۱۷ و بالاخره مکا ۲:۲۱ به این موضوع اشاره دارد).

ازدواج «راز مقدس»

مقدمه:

همه‌ی ما می‌دانیم که عشق چیست، با وجود این محدود افرادی می‌توانند آن را توجیه کنند. مفاهیم عشق را می‌توان این‌گونه بیان کرد: آرزوی خوبی برای دیگران، خدمت کردن، مهربان بودن، تمایلات جنسی و نیز احساس رضایت و خوشبختی در معاشرت و غیره... ازدواج بدون عشق ممکن است بی‌معنی و همراه با دلزدگی بیش از حد باشد.

با این تفصیل، می‌دانیم که حتی ازدواج با عشق هم ممکن است ناموفق باشد. شوهری که به نظر می‌رسد خانواده‌اش را دوست دارد، ممکن است در اثر تنبلی و کاهلی همسر و بچه‌هایش را به نکبت و بدبختی بکشانند. یک همسر دوست‌داشتنی هم در اداره کردن منزل و آشپزی ممکن است به قدری ناموفق باشد که باعث نابودی سلامتی و خلق و خوی خانواده‌ی خود گردد. حتی چیزهای بسیار کوچک و حساس نیز می‌توانند به دوستی و محبت بین آنها آسیب برسانند. در ازدواج همبستگی و صمیمیت دو نفر به قدری مهم است که کوچکترین اشکال در این زمینه می‌تواند غیرقابل تحمل شود. اگر قرار است ازدواجی خوشبختی و رضایت را که همه در آرزویش هستند به دنبال داشته باشد، تحمل و فروتنی و عشق شدید تضمین‌کننده‌ی چنین ازدواجی خواهد بود.

زندگی خود را برای همیشه وقف کسی کردن نشانه‌ی ایمان قوی آن کس نسبت به شخص موردنظر است. این عمل درست مانند جهشی در تاریکی است، زیرا شناخت واقعی شخص کاری بس دشوار است. اغلب سالها طول می‌کشد که زوجی بتوانند در همه زمینه‌ها کاملاً با یکدیگر به توافق برسند.

با این همه هر هفته در اقصی نقاط عالم شاهدیم که میلیون‌ها نفر آماده اند تا این جهش در تاریکی را انجام دهند و البته باید گفت که اینان حق دارند. آنها بعد از جستجوی بسیار شخص مورد علاقه خود را پیدا کرده و همانند خود دوستش دارند و می‌توانند کمک و خدمتش کنند. عشق عامل مهمی است که قادر است اکثر بحرانها را التیام بخشد، لیکن نه همه آنها را. لازمه موفقیت در ازدواج، علاوه بر محبت طرفین بردباری و ازخودگذشتگی است. از این گذشته ضعفهای هر یک از طرفین نباید تفاهم را از بین ببرد.

تعلیم خداوند پیرامون ازدواج

عیسا مسیح در گفتارهای خود به مفهوم اصلی ازدواج این‌گونه اشاره می‌کند: عیسا در جواب از آنها پرسید: «آیا تا به حال نخوانده‌اید که پروردگار از ابتدا انسان را زن و مرد آفرید؟ به این سبب است که مرد، پدر و مادر خود را ترک می‌کند و به زن خود می‌پیوندد و آن دو یکی می‌شوند. از این رو آنها دیگر دو تن نیستند، بلکه یکی هستند، پس آنچه را که خدا به هم پیوسته است انسان نباید جدا سازد» (مت ۱۹: ۴-۶).

در اینجا تعلیم خداوند درباره ازدواج به طور خلاصه توجیه شده. آنچه که عیسا مسیح راجع به ازدواج به ما ارائه می‌دهد صرفاً یک نهاد و یا سنت انسانی نیست، بلکه از طرف خدا نیز توصیه می‌شود و در آن الهام الهی نیز موجود است. خداوند در آغاز زن و مرد را آفرید و اوست که آنها را بوسیله ازدواج به هم پیوست. خداوند تمام عالم خلقت، یعنی هر آنچه را آفریده است، دوست دارد. خداوند بشر را مذکر و مؤنث آفرید و منظورش از این آفرینش این است که ما برای شادی و خوشنودی خود از آن استفاده کنیم.

مسائل جنسی از دیدگاه مسیحیت

حقیر شمردن بدن و محکوم کردن انواع لذات جسمی یک نوع مسیحیت کاذب است. مسیح فرزند خدا در عین برخورداری از طبیعت الهی، بدن انسانی به خود گرفت و کاملاً یک انسان شد. او در رحم زنی تن گرفت و به صورت طبیعی زاده شد. او والایی مقام بدن انسان را به ما ثابت کرد و اگر ما بدنی را که خداوند به ما داده کم ارزش پنداریم و به آن احترام نگذاریم در اشتباه مطلق به سر می‌بریم.

در سفر پیدایش (اولین قسمت کتاب مقدس) بر بزرگی و مقام انسان تأکید شده است. در اولین باب این کتاب مؤلف سعی کرده به سبکی نمادین و گویا نقشه‌های خداوند را برای بشر بازگو کند. خدا گفت: آدم را به صورت ما و موافق، شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند حکومت نماید. پس

خدا آدم را به صورت خود آفرید او را به صورت خدا آفرید، ایشان را نر و ماده آفرید. و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید ... و خدا هرچه ساخته بود دید و همانا بسیار نیکو بود (پید ۱: ۲۶-۲۸ و ۳۱).

یهویاقیم و حنا، پدر و مادر حضرت مریم



ثمره ازدواج این دو نفر حضرت مریم است، پس درمی یابیم که ازدواج چه امر مهم و مقدسی است که حضرت مریم را به جهانیان عرضه داشت.

این چنین بیانی به انسان شکوه و جلال می بخشد، زیرا آفریده شدن توسط خداوند و حاکم گشتن بر عالم خلقت و به شمایل خداوند بودن و نیز به صورت دو جنس متفاوت آفریده شدن، برای افتخار کردن به وجود خود کم نیستند و انسان با این همه نعمت می تواند واقعاً به خود بیابد. در جای دیگری از این کتاب می خوانیم: خداوند خدا گفت خوب نیست که آدم تنها باشد پس برایش معاونی موافق وی بسازم (پید ۲: ۱۸). و سپس در همین باب به کلماتی برخورد می کنیم که اولین مرد برای ابراز محبتش نسبت به زن بیان کرده است:

همانا این است استخوانی از استخوانهایم و گوشتی از گوشتم از این سبب نساء نامیده شود، زیرا که از انسان گرفته شد. از این سبب مرد پدر و مادر خود را ترک کرده با زن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند بود (پید۲: ۲۳-۲۴).

با این کلمات داستان خلقت بشر به اوج خود می‌رسد. این کلمات برابری مقام مردان و زنان را ثابت می‌کند. زمانی که این نوشته‌ها به رشته تحریر درآمد اکثر مردم خدانشناس بودند و زنان را پست و حقیر می‌شمردند، لیکن کتاب مقدس تأیید می‌کند که خداوند انسانیت و شخصیت را به هر دو جنس اختصاص داده و همبستگی شدید به یک‌دیگر را برای آن دو ضروری دانسته. این تعادل بسیار مهم و حساس است و در ازدواج آن‌ها به صورت «یک بدن» درمی‌آیند. بنابراین طبیعی است که آنها به طرف یکدیگر کشیده شوند و از این‌که با هم هستند خوشحال و شادمان باشند. در آغاز چنین بود و این است نقشه خداوند.

یک روح در دو بدن

در زندگی، هر کس نیازمند است که دوست داشته باشد و دوستش بدارند. محبت تمام وجود شخص را فرا می‌گیرد و از فکر و روح لبریز می‌شود و به وسیله جسم تجربه می‌گردد. ازدواجی که با عشق و محبت صورت پذیرد، در زندگی با امید و آرزوی یکی شدن در افکار و جسم همراه می‌باشد. اگر فکر کنیم که فرق بین مرد و زن صرفاً از نظر جسمی مطرح است، مرتکب اشتباه بزرگی شده‌ایم، زیرا مهمترین عوامل اختلاف، شیوه‌های مختلف زندگی، رفتار و کردار، تصمیم‌گیری، و جهان بینی است. همین تفاوتها منشأ زندگی مسالمت آمیز بین زن و شوهر می‌باشند و باعث می‌گردند که این دو همیشه برای یکدیگر تازگی داشته باشند و از مصاحبت با هم لذت ببرند. تفاوت بین زن و مرد در هر ذره‌ای از وجود و شخصیتشان نمایان می‌گردد. نادیده گرفتن این حقیقت مهم باعث بروز ناراحتی‌های زیادی می‌شود، به عنوان مثال: موهبت خدادادی خود را ملاک سنجش قرار دادن، خود عامل مهم اختلاف است، به هر حال راز جاذبه و لذت بردن از یکدیگر به تماس جسمی منجر می‌گردد.

از عشق بسوی محبت

شاید زیباترین قسمت نقشه خداوند این باشد که: از داشتن روابط جنسی می‌باید هدف دیگری داشته باشیم. عشق انسانی، آفریننده است و عشقی که روابط جنسی بین زن و شوهر را به وجود می‌آورد، راهی است که خداوند برای بقای خانواده و خلقت انتخاب کرده است. زندگی جدید انسان باید در محبت تشکیل شود. زن و شوهری که با هم زندگی مشترکی را شروع کرده‌اند و با روابط جنسی در زندگی یکدیگر شریک شده‌اند، به خدا امکان عرضه زندگی جدیدی را می‌دهند.

برداشت واقعی مسیحیت از ازدواج و رابطه جنسی در بردارنده تصمیمی قاطع جهت شناخت عمیق این رابطه می باشد. در ضمن تحسین خداوند را بخاطر شادی و شغفی که بوسیله ازدواج به آنها ارزانی شده است، به همراه دارد. و سرانجام باید بیان کننده اشتیاق آنان به سوی یکدیگر و میل وافر به خوشبخت ساختن طرف مقابل باشد. این خصوصیات باید در تمام مراحل زندگی زناشویی موجود باشد. ارتباط جنسی آخرین مظهر بیان کننده نوع بخشش متقابل است بین دو انسان که اگر تفکر به آن از این راه صورت گیرد، حاصل آن ازدیاد محبت مابین زن و شوهر می باشد.

خط مشی زندگی

ازدواج را می توان از دو جنبه بررسی کرد. اگر از دید شخصی به آن نگاه کنیم قادر است خوشبختی، امنیت و عشق را به ارمغان بیاورد و اگر آن را از دیدگاه بشریت بنگریم درمی یابیم که عامل بقای بشر است.

ازدواج به قدری مهم است که خداوند، برای درک آن ما را هدایت کرده است. مسأله به این مهمی را نمی توان حاصل تسلیم سرنوشت بودن و سادگی انسان دانست. ما به خوبی آگاهیم که ازدواجهای موفق اساس یک اجتماع سالم برای آینده می باشند. بنابراین ازدواج هرگز نمی تواند صرفاً مسئله ای خصوصی باشد. به همین جهت دولتها ازدواج را به رسمیت شناختند و قوانین و مقرراتی برای آن وضع کردند که همه ما به آن احترام می گذاریم.

هدف از کلیه احکام خداوند و قوانین سالم اجتماع تأمین خوشبختی بشریت است. زندگی بدون قانون دستخوش هرج و مرج و بی نظمی خواهد شد. خداوند به منظور تأمین زندگی کامل تر و خوشبختی بیشتر برای بشر احکام خود را به او داده است. خدا پدر پر محبت ماست و احکام او گویای عشق و محبتش نسبت به ما می باشد.

پیوند استوار با کمک روح القدس

خداوند به ما نشان می دهد که در ازدواج محبت باید با اتحاد محکم که بین زن و شوهر تا لحظه مرگ برقرار می باشد، بیان شود. ازدواج باید در تمام طول زندگی دوام داشته باشد. بعضی مواقع مردم گله مندند و می گویند دیدگاه کلیسای کاتولیک نسبت به طلاق عاقلانه نیست. در حقیقت هدف این کلیسا حمایت از نقشه خداوند نسبت به ازدواج می باشد و در نتیجه سعادت و خوشبختی بشر را تضمین می کند.

هنگامی که در ازدواج، اختلاف جدی بروز می کند و تلاش و راهنمایی اطرافیان نیز به جایی نمی رسد، با مشکل عدم توافق روبه رو می شویم که ممکن است منجر به جدایی گردد. برای حفظ حقوق اشخاص بیگناه و کودکان حتی احتمال دارد نیاز به جدایی رسمی، از طرف قانون مدنی

مملکت تشخیص داده شود. کلیسا نیز به شرط اینکه طرفین دریابند که نزد خداوند برای همیشه به صورت دو شخص متعهد باقی خواهند ماند با امر جدایی موافقت می‌کند. بنابراین تا زمانی که طرفین زنده هستند ازدواج دوم برای آنها امکان پذیر نیست و هیچ قدرتی روی زمین نمی‌تواند این عمل معتبر و انجام شده، یعنی ازدواج یک مسیحی را تغییر دهد یا فسخ نماید.

ما آگاهیم که تعلیمات کلیسا ممکن است فشار و سنگینی زیادی روی مردم وارد کند، لیکن از طرف دیگر این سختگیری کلیسا کمک بزرگی برای یک ازدواج پایدار است. زوجی که پی برده‌اند ازدواج امری است که تا پایان زندگی ادامه خواهد یافت برای موفقیت در آن از هیچ کوشش و فداکاری دریغ نخواهند کرد. چنین زوجی می‌توانند خوشبختی و امنیت را برای زندگی خود و فرزندان‌شان به ارمغان آورند، حتی اگر این ازدواج آن ایده‌آلی که در انتظارش بودند، نباشد.

کلیسا این تعلیمات را از خود اختراع نکرده است، بلکه سرچشمه این تعلیمات عیسا مسیح پسر خدا می‌باشد:

«او به ایشان فرمود: "هر که زن خود را طلاق دهد و با زنی دیگر ازدواج کند، نسبت به زن خود مرتکب زنا شده است. همینطور اگر زنی از شوهر خود جدا شود و با مرد دیگری ازدواج کند مرتکب زنا شده است" (مر ۱۰:۱۱-۱۲).

البته متن متی ۹:۱۹ باید توضیح داده شود چون عیسا گفته بود «به شما می‌گویم کسی که زن خود را جز به سبب روسپیگری طلاق گوید و با زن دیگری ازدواج نماید زنا می‌کند.» و در بعضی ترجمه‌ها بجای کلمه روسپی‌گری، زنا نوشته شده بود. در کتاب مقدس ترجمه اورشلیم متن ۹:۱۹ را به این صورت تفسیر می‌کند:

«با در نظر گرفتن صورت‌آمرانه‌ی آیات موازی مر ۱۰:۱۱؛ لو ۱۶:۱۸ و ۱۰:۷؛ چندان محتمل نمی‌نماید که هر سه‌ی آن‌ها شرط تحدیدی عیسا را حذف کرده باشند و محتمل‌تر آن است که یکی از آخرین مصنفان انجیل نخست، این شرط را افزوده است تا پاسخگوی مسائل ربّنی خاصی باشد (بحث میان هیگل و شمّای بر سرانگیزه‌هایی که طلاق را مشروعیت می‌بخشد) که در ضمن متن او نیز وجود آن‌ها را به ذهن متبادر می‌کند (آیه‌ی ۳)، مسائلی که می‌توانست اذهان محیط یهودی-مسیحی را که مصنف مزبور برای آن می‌نوشت، به خود مشغول دارد. پس در اینجا تصمیمی کلیسایی مطرح است که شمولی محلی و موقتی دارد، هم‌چنان که حکم اورشلیم در خصوص ناحیه‌ی انطاکیه چنین بود (اع ۲۳:۱۵-۲۹). معنی *porneia* (بی‌عفافی) پژوهش را در همین راستا هدایت می‌کند. پاره‌ای کسان برآنند که مراد زناکاری در ازدواج است و در اینجا اجازه‌ی طلاق دادن در

چنین موردی را می‌یابند؛ کلیساهای ارتدکس و پروتستان بر این عقیده‌اند. اما به این معنی، باید انتظار لفظ دیگری را می‌داشتیم که *moicheia* (زنا) است. بر عکس چنین می‌نماید که *porneia* در متن معنی زِنوت (*zenut*) یا «فحشا»ی نوشته‌های رِبّنی را دارد که به هرگونه وصلت با خویشاوندانی اطلاق می‌شود که شریعت زناشویی با ایشان را حرام کرده و زنا با محارم شمرده است (لاو ۱۸). چنین وصلت‌هایی که میان مشرکان قانوناً انجام می‌شد یا خود یهودیان نزد نوکیشان آن را برمی‌تافتند، در هنگامی که اینان به مسیحیت می‌گرویدند، در محیط‌های یهودی-مسیحی شریعت مداری هم چون محیط متّی باید موجب بروز مشکلاتی می‌شد؛ از این روی حکم شد که چنین وصلت‌های بی‌قاعده‌ای که روی هم رفته چیزی جز ازدواج‌های نادرست نبود، گسسته شود.

«راه حل دیگر بر این اساس است که حقی که شرط تحدیدی اعطا کرده حق طلاق نیست، بلکه «جدایی» بدون ازدواج مجدد است. چنین رسمی در یهودیت ناشناخته است. اما الزامات عیسا سبب پدید آمدن بیش از یک راه حل تازه می‌گشت و این یکی را پولس در ۱-قرن ۷:۱۱ به روشنی فرض کرده است.»

کانون گرم خانواده

برای یک فرد مسیحی، تعلیم مسیح برای پی ریزی یک ازدواج پایدار و سعادت‌مند کافی است، حتی اگر یک نفر غیرمسیحی باشد درخواهد یافت که چنین تعلیماتی مطلوب و ایده‌آل هستند. ازدواج نیازمند یک عشق کامل و ازخودگذشتگی کامل است و اگر کسی راجع به ازدواج صادق و بی‌ریا باشد نمی‌تواند به طور موقت ازدواج کند، چون در طبیعت ازدواج، عشق و ازخودگذشتگی بسیار عمیقی نهفته است، که فقط پیمان و دوستی همیشگی می‌تواند در آن حکفرما باشد.

اگر بر اثر پیوند زن و شوهر فرزندان هم به وجود آیند احتیاج به یک عشق کامل حتی از قبل نیز بیشتر می‌گردد. تمام صاحب نظران، در گذشته و حال، بر این عقیده‌اند که عشق، محبت کامل و امنیت کلید موفقیت تربیت فرزندان است. این امنیت بر اساس دوستی و عشق دائمی والدین بنا شده است.

بدون شک ثابت شده که یکی از علل مهم بزهکاری جوانان، عدم کفایت و بی‌لیاقتی پدر و مادر آنهاست. بی‌کفایتی والدین همیشه سزاوار سرزنش نیست، چون بی‌لیاقتی ممکن است بر اثر کمبود انضباط صحیح و درست در خانه و یا کمبود علاقه و اشتیاق به فرزندان و یا جدایی یا طلاق والدین به وجود آید. ما تا جایی که ممکن است صرف نظر از مقصر بودن یا نبودن والدین باید در صدد کاستن اینگونه حوادث باشیم.

والدین مسئول

علاقه به نگهداری و حفظ تمام محسنات روابط جنسی پایه و اساس تعلیمات کلیسا دربارهٔ جلوگیری از ازدیاد موالید است. کلیسای کاتولیک والدین را تشویق می‌کند که در این امر احساس مسؤولیت کنند. این مسؤولیت ممکن است شامل تنظیم خانواده یا محدود کردن تعداد افراد خانواده باشد. در گذشته‌ای نه چندان دور مرگ و میر بچه‌ها در خانواده به حدی زیاد بوده که جلوگیری از ازدیاد موالید مشکل واقعی خانواده نبوده است. در چنین شرایطی مسلماً والدین با وقایعی که امروزه هر خانواده کم و بیش با آن مواجه است، روبه‌رو نبوده‌اند.



«رد کردن باروری = رد کردن ازدواج»

امروزه وضع و کیفیت تازه‌ای برقرار است. شرایط مدرن و جدید کار و مسکن و مشکلات اقتصادی و تعلیم و تربیت، تشکیل خانواده‌ای پرجمعیت را مشکل می‌سازد. این مشکل تنها مربوط به یک خانواده نیست، بلکه مشکلی جهانی است. پیشرفتهای عظیم بخصوص در علم پزشکی باعث ازدیاد جمعیت بشر گردیده است و بیم آن می‌رود که رشد سریع جمعیت جهان در آینده‌ای نزدیک باعث بروز مشکلات متعددی در زمینه استفاده از امکانات و منابع طبیعی جهان گردد.

بطور کلی تعلیمات کلیسا در مورد کنترل موالید عوض نشده و فعلاً ثابت است. روابط جنسی از نظر الهی بیانی از عشق و محبت بین زن و شوهر است که ثمرهٔ طبیعی آن میوه‌ای است به نام فرزند. روابط جنسی تا آنجا که امکان دارد باید طبیعی باشد و چون سمبلی از بخشش محبت است پس باید دارای چنین بخششی باشد. هر چقدر این عمل از مسیر طبیعی خود خارج شود به همان اندازه از کیفیت بیان عشق آن نیز کاسته می‌شود.

علاوه بر این یاد آوری کنیم که برکت ازدواج در حضور خدا داده شده است و زوج باید به خدا اطمینان داشته باشد و ایمان داشته باشند که فرزندان این زوج مورد محبت و حمایت خدا نیز خواهد بود.

با همه این تفصیلات بعد از خداوند تصمیم‌گیری در مورد تعداد افراد خانواده به عهده والدین گذاشته شده و هیچکس نمی‌تواند این مسؤلیت را از آنها بگیرد. موارد زیادی وجود دارد که والدین را مجبور به محدود کردن تعداد فرزندان خود می‌کند، از جمله: سلامتی، امکانات مادی و مسکن. به دنیا آوردن فرزندان فقط شروع مسؤلیت پدر یا مادر بودن است و مرحله بعدی که مهمتر نیز هست تعلیم و تربیت آنهاست.

مشکل واقعی، تنظیم خانواده نیست، بلکه روند پیاده کردن این اصول است. کلیسا جلوگیری از ازدیاد مولید را از طریق مصنوعی محکوم می‌کند، زیرا در ازدواج این مسئله برخلاف ارزش واقعی آمیزش جنسی است. در ضمن کلیسا چنین روشهایی را راه حل موجود برای مشکلات تنظیم خانواده و یا حل مسئله بفرنج جمعیت جهان نمی‌داند.

کلیسا روشهای طبیعی تنظیم خانواده (یعنی روابط جنسی در مواقعی صورت گیرد که امکان باروری زن کمتر است) را قبول دارد، چون مستقیماً در اصل عمل آمیزش مداخله ندارد. این روش اگر به دقت دنبال شود معتبرتر از آن است که عموماً مردم درک کرده‌اند و در حقیقت با استفاده از این روش بین زوج‌ها احترام و درک عمیق‌تری نسبت به یکدیگر به وجود می‌آید.

تعلیم و تربیت خانواده

همه آگاهیم و می‌پذیریم که باید برای والدین خود احترام قائل شویم. به همین نسبت نیز والدین موظفند لایق این احترام باشند.

ما به محبت والدین نسبت به خود معترفیم، زیرا آنان ما را به دنیا آورده‌اند و از ما مواظبت و مراقبت کرده‌اند. به عنوان یک فرد عاقل و آگاه می‌توان درک کرد که چه فداکاریها و آزردها برای بزرگ کردن فرزندان وجود دارد. می‌دانیم که والدین چه مشقتهایی را به خاطر ما متحمل می‌شوند. بنابراین سعی می‌کنیم که از زندگی آنها سرمشقی برای خود داشته باشیم، یعنی از تجربه‌های مثبت آنها استفاده کرده و از اشتباهاتی که مرتکب می‌شوند درس عبرت بگیریم.

امروزه اکثر دولتها آگاهند که باید به والدین در تأمین تعلیم و تربیت، بهداشت و تغذیه کودکان کمک نمایند تا خانواده با درآمد متعادل بتواند زندگی فرزندان خود را اداره کند. اما برآورده کردن این نیاز به تنهایی کافی نیست، زیرا علاوه بر خواندن و نوشتن فرزندان احتیاجات دیگری نیز دارند، زیرا آنها نیز تمام احساسات و نگرانیهای بشری را داشته و شدیداً نیازمند عشق و علاقه والدین خود می‌باشد.

پدر و مادر مسیحی در ارج نهادن به سرنوشت فرزند خود می‌دانند که باید در تعلیم و تربیت او بیشتر بکوشند، زیرا فرزند آنها باید طوری رشد کند که بسان مسیح گردد تا بدین وسیله همیشه با خدا باشد. این وظیفه والدین است که راه به سوی خداوند را برای بچه‌ها بگشایند. والدین بالغ و پر محبت، فرزند خود را نه فقط به عنوان یک شهروند مفید برای اجتماع تربیت می‌کنند، بلکه مسوول سرنوشت جاودانی آنان در برابر خداوند نیز هستند.

مؤثرترین وسیله تشویق فرزندان در زمینه تعلیم و تربیت همانا سرمشقی است که از زندگی خود برای آن‌ها برجای می‌گذاریم، زیرا احترام متقابل والدین به یکدیگر و شادی و خوشحالی واقعی که در زندگی آنان وجود دارد، دید سالمی از جهان به کودک می‌دهد. خانواده‌های مسیحی که صادقانه با هم خداوند را عبادت می‌کنند فرزندان خود را به طور طبیعی هدایت می‌کنند که دین را با ارزش بدانند. هم چنین دعا و عبادت باید خانواده‌ها را وادار به احترام گذاشتن به شخصیت و مقام کودک نماید و این احترام ناشی از ارزشی است که کودک نزد خداوند دارد. بنابراین والدین آگاه، سخت‌گیری بیش از حد و انعطاف‌پذیری زیاد را روا نمی‌دارند.

ازدواج، رازی از رازهای هفت‌گانه

حضرت پولس به نوگرایان مسیحی ارزش و مقام ازدواج را تعلیم می‌داد. او آموزش درباره ازدواج را با تعلیمات کلیسا درهم می‌آمیخت. او از این نظر درست همانند مؤلفین تورات عمل کرده است. «بخاطر احترامی که به مسیح دارید مطیع یکدیگر باشید. ای زنها، طوری از شوهران خود اطاعت کنید که از خداوند اطاعت می‌کنید، زیرا همان‌گونه که مسیح سر کلیسا یعنی بدن خود می‌باشد و شخصاً نجات دهنده آن است، شوهر نیز سر زوجه خود می‌باشد و همچنان که کلیسا مطیع مسیح است، زنان نیز در هر مورد باید از شوهران خود اطاعت کنند. ای شوهران، همان‌طور که مسیح کلیسا را دوست داشت و جان خود را برای آن داد شما نیز زنان خود را دوست بدارید. مسیح چنین کرد تا کلیسا را با آب و کلام خدا شسته و آن را پاک و مقدس گرداند و با تمام زیبایی‌های پاک و بدون عیب و لکه و چین و چروک یا هر نقص دیگری به خودش تقدیم نماید. مردان باید همان‌طور که بدن خود را دوست دارند همسر خود را دوست بدارند، زیرا مردی که زنش را دوست می‌دارد خود را دوست دارد. هیچ‌کس هرگز از بدن خود متنفر نبوده است، بلکه به آن غذا می‌دهد و از آن مواظبت می‌کند. یعنی همان کاری که مسیح برای کلیسا می‌کند - زیرا ما اعضای بدن او هستیم. به این جهت کلام خدا می‌فرماید: "مرد، پدر و مادر خود را ترک می‌کند و به زن خود می‌پیوندد و آن دو، یکی خواهند شد." (افس ۵: ۲۱-۳۱)

پولس می گوید: یک زن باید به شوهر خود احترام بگذارد و در عوض یک شوهر نیز باید خودش را وقف همسرش کند.

حضرت پولس اتحاد بین زن و شوهر را با اتحادی که بین مسیح و کلیسا وجود دارد، مقایسه می کند. همان طور که مسیح به خاطر کلیسای خود فدا شد و در حال حاضر ارتباط و اتحادی ناگسستنی با آن دارد و منبع اصلی نعمت و قدوسیت کلیساست، زن و شوهر نیز با محبت و اتحادی که نسبت به یکدیگر دارند مسیح را در زندگی خود حاضر می سازند و این حضور مسیح است که نعمت و قدوسیت ازدواج را تضمین می کند.

اگر بخواهیم راه و روش عیسا مسیح را در زندگی دنبال کنیم باید دوست داشتن دیگران را یاد بگیریم.

مسیح بارها و بارها گفته است که نقطه مشخصه یک فرد مسیحی عشق او به سایر هموعانش می باشد:

«اگر نسبت به یکدیگر محبت داشته باشید، همه خواهند فهمید که شاگردان من هستید»
(یو ۱۳:۳۵).

به وسیله ی عیسا مسیح، محبت به هموعان ارزش و اهمیت خاص و جدیدتری می یابد. او به ما می گوید: «یقین بدانید که هرگاه کسی به یکی از کوچکترین پیروان من، به خاطر اینکه پیرو من است، حتی یک جرعه آب سرد بدهد به هیچ وجه بی اجر نخواهد ماند» (مت ۱۰:۴۲)

محبت ورزیدن به دیگران باعث می شود که مسیح را نیز دوست داشته باشیم و با خدمت کردن به دیگران در واقع مسیح را خدمت می کنیم. مثلاً محبت و پرستاری کردن از یک بیمار، و یا کمکی که ما به افراد درمانده و رنج دیده می کنیم ارزش و مقام تازه ای دارد، چون یک فرد مسیحی، مسیح را در همسایه خود می یابد. او باید همسایه اش را واقعاً دوست داشته باشد و او را به عنوان یک بشر خدمت کند که البته این کار را باید با صمیمیت و فداکاری، احترام و خلوص نیت انجام دهد و فکر کند که این محبت را به عیسا مسیح فرزند خدا می کند.

زوجی که ازدواج کرده اند و در برابر یکدیگر مسؤلیت این پیمان را برای همیشه در زندگی خود به عهده گرفته اند، می توانند شاهد وجود مسیح در همسر و فرزندان خود باشند و او را خدمت کنند. نتیجه این خدمت و پیوند محبت، تقدس واقعی و نزدیک شدن به مسیح می باشد. پس زوج ازدواج کرده در زندگی خود هر روزه شاهد مسیح است و او را خدمت می کند. مسیح همواره با آنهاست و آنها را تشویق می کند و به آنها قوت قلب می بخشد.

از همین دیدگاه است که عشق مسیحی رشد می کند. هنگامی که در خانه ای با این عشق مواجه

می‌شویم، درمی‌یابیم که موضوعی بسیار پرارزش است و وجود آن، آنچه را که در مورد رازها گفته‌ایم تأیید می‌کند، یعنی اینکه در رازها عیسا مسیح را ملاقات می‌کنیم. پس به وضوح می‌بینیم که ازدواج واقعاً یک راز و یک ملاقات حقیقی با مسیح می‌باشد. پولس رسول عشق به مسیح را این‌گونه خلاصه می‌کند:

«محبت بردبار و مهربان است. در محبت حسادت و خودبینی و تکبر نیست. محبت رفتار ناشایسته ندارد. خودخواه نیست. خشمگین نمی‌شود و کینه به دل نمی‌گیرد. محبت از ناراستی خوشحال نمی‌شود ولی از راستی شادمان می‌گردد. محبت در همه حال صبر می‌کند و در هر حال خوش‌باور و امیدوار است و هر باری را تحمل می‌کند. نبوت از بین خواهد رفت و گفتن به زبانها خاتمه خواهد یافت و بیان معرفت از میان می‌رود، اما محبت هرگز از میان نخواهد رفت» (۱-قرن ۱۳: ۴-۸).

دوران نامزدی

دوران آمادگی برای ازدواج در زندگی هر زوجی بسیار مهم است، زیرا این مدت سرشار از شادی و هیجان می‌باشد، لیکن باید با دعا خواندن و تعمق نیز همراه باشد، چون تنها شروع اتحادی است که تا آخر عمر برجای خواهد ماند و بر زندگی بسیاری اثر خواهد گذاشت. رابطه جدیدی بین آنها بوجود خواهد آمد که تمام نقشه زندگی آنان را زیر و رو خواهد کرد. یک خانواده جدید بوجود خواهد آمد و وقتی فرزندان به دنیا بیایند رفاه و آسایش آنان در دستهای این دو نفر می‌باشد، ولی روی هم رفته پی‌ریزی خانواده می‌تواند با نگرانی زیاد همراه باشد چون با کمبود مسکن و افزایش قیمتها و تلاش همیشگی برای پرداختن مخارج مواجه است. اما اگر سعی و کوشش مشترک باشد این حالت به صورت یک مبارزه در می‌آید که منجر به موفقیت می‌گردد و این موفقیت عامل وابستگی صمیمی‌تری نسبت به یکدیگر می‌باشد.

این چنین وحدت و یگانگی و اعتماد به یکدیگر از دوران نامزدی شروع می‌شود. در این ایام پسر باید نشان دهد که واقعاً به دختر احترام می‌گذارد و عشق او نسبت به دختر فقط به خاطر رابطه جنسی نیست، بلکه چیزی عمیق‌تر از آن است که شخصیت او و تمام جنبه‌های پویایی آن را دربر می‌گیرد. گرایش جنسی امر مهمی است اما پسر باید درک کند که در ازدواج تفاهم، احساسات و افکار وجود دارد و رابطه جنسی فقط بیان عمیقی از این احساسات می‌باشد.

در دوران نامزدی مرد باید نشان دهد که به دختر احترام می‌گذارد و ارزش این را دارد که دختر به او اعتماد کند. در عوض دختر باید نشان دهد که ارزش این احترام را دارد و می‌داند که مقام ازدواج

و زن بودن چیست؟ برای هر دو باید روشن شود که دوران نامزدی آمادگی برای ازدواج است و نباید به یکدیگر حق برخورداری از لذات بعد از ازدواج را بدهند. برای مسیحیان این دوران زمان دعا می باشد تا خداوند به آنان توانایی داده، هدایتشان نماید و آنان را به سوی یک زندگی سرشار از محبت و احترام رهبری فرماید.

روابط جنسی تحکیم محبت است و ازدواج اگر قرار باشد به هدف اصلی خود رسیده و آن را دنبال کند باید برطبق نقشه خداوند صورت پذیرد و این باید با ارزش و حرمت انسان در امر ازدواج مطابقت نماید. بطور خلاصه روابط جنسی مظهر و سمبل بخشش متقابل طرفین می باشد که فقط در چارچوب پیوند همیشگی ازدواج میسر است. داشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج یا خارج از این چارچوب اشتباه محض است، زیرا خارج از این چارچوب زیبایی آن تیره و تار می گردد. اگر خودخواهی توأم با خیانت و بی عفتی باشد این زیبایی به کلی از بین می رود. آموزش سنتی مسیحیت، حافظ و نگهدار زیبایی و پاکی رابطه جنسی است.

ازدواج بین پیروان مذاهب مختلف

کلیسا ازدواج افراد کاتولیک با غیرکاتولیک را تشویق نمی کند. در این روش هیچ غرض شخصی بر علیه افراد غیر کاتولیک در کار نیست، بلکه تجربه ثابت کرده است که اختلافات بین مذاهب می تواند بر مشکلات ازدواج بیفزاید. دیدگاه ما مورد تأیید سران کلیساهای مختلف و نیز افرادی که وابسته به هیچ کلیسایی نیستند، می باشد.

ما همه آگاهییم که چه نوع مشکلاتی از اختلاف نظر در مورد مسائل اساسی، در زندگی زوج ازدواج کرده ممکن است پیش آید. اگر همسر شما در زندگی زناشویی نسبت به چیزهایی که به آن علاقمند هستید و توجه شما را به خود جلب می کند، خونسرد و بی اعتنا باشد، احتمال آن می رود که زندگی شما کسل کننده و یأس آور گردد. این مسئله قادر است ایمان و عقیده را ضعیف گرداند و نماز یکشنبه ها را به صورت باری سنگین درآورده و حتی علتی جهت بروز اختلاف باشد.

یکی از مهمترین وظایف کاتولیکها و امتیاز آنان انتقال دادن ایمان و عقیده خود به فرزندانشان می باشد. آنها به این وظیفه افتخار می کنند، اما فرزندان از تفاوتی که بین مذهب والدین خود می بینند و یا از اینکه یکی از والدین علاقه ای به هیچ یک از مذاهب ندارد، ممکن است دچار حیرت و سردرگمی گردند. این موضوع حتی می تواند زمانی اتفاق بیفتد که فرد غیرکاتولیک به هیچ وجه مخالف مذهب نباشد. ازدواج کسی که صد در صد مخالف دین و مذهب است با یک فرد کاتولیک کاملاً بی معنی و بیهوده می باشد، چون بجز فراهم کردن ناراحتی و نارضایتی چیز دیگری در بر ندارد. لازمه زندگی زناشویی انعطاف پذیری در دادن و گرفتن است. اما این انعطاف پذیری نباید باعث تجاوز کردن به وجدان هیچ یک از طرفین، کاتولیک یا غیرکاتولیک، گردد.

با کمال تأسف ما آگاهیم که مسیحیت به شعبات متعددی تقسیم شده و با وجود اینکه همه مسیح را پیروی می کنند، ولی اعتقادات آنها با یکدیگر متفاوت است. همه مسیحیان از این تقسیمات ناراحت و نگرانند و شدیداً در انتظار اتحاد کامل می باشند. یکی از نتایج این شرایط ناخوش آیند این است که ازدواج بین افراد شعبه های مختلف مسیحیت باعث جدایی در خانواده ها می گردد و در زندگی فرزندان آنها نیز اثرات زیادی برجا می گذارد.

عیسا مسیح ازدواج را مقدس دانست و در جشن عروسی هم شرکت جست. این جشن عروسی کامل نبود زیرا شراب تمام شده بود. آیا بدون ایمان به خدا، ازدواج و شادیهای آن کامل خواهد بود.

شرایط لازم برای ازدواج، بین دو نفر از فرقه های مختلف مسیحی

زمانی که یک فرد با آگاهی کامل تمام این مشکلات را به عهده می گیرد، آن گاه کلیسا اجازه ازدواج یک کاتولیک با یک غیرکاتولیک را می دهد. کلیسا موظف است رازهای هفتگانه را حفظ و حراست کند و همان گونه که به آن شخص، خیر و برکت می دهد او نیز موظف است احکام مذهبش را حفظ نماید. فرد مسیحی به عنوان عضوی از قوم خدا آرزو دارد در مقابل قربانگاه خداوند زانورده عهد خود را در کلیسا که شاهدهی بر این مراسم است ببندد.

عروسی در قنای جلیل



عیسا مسیح ازدواج را مقدس دانست و در جشن عروسی هم شرکت کرد. این جشن عروسی کامل نبود، زیرا شراب تمام شده بود. آیا بدون ایمان به خدا ازدواج و شادیهای آن کامل خواهد بود؟

کلیسا قبل از اینکه اجازه ازدواج به یک فرد کاتولیک با یک غیرکاتولیک را بدهد از او می‌خواهد که در برابر اصول کلیسا تعهد بپذیرد. البته از فرد غیر کاتولیک هیچ قول و وعده‌ای گرفته نمی‌شود، لیکن این فرد باید از قول و پیمانی که فرد کاتولیک می‌دهد کاملاً آگاه باشد. یک شخص کاتولیک متعهد می‌شود از خطری که باعث سلب ایمان و اعتقاد او می‌گردد اجتناب ورزد. او هم چنین قول می‌دهد تا حد امکان بچه‌هایش را در کلیسای کاتولیک تعمیم دهد و آنها را با دقت هرچه تمام‌تر با تعلیمات کاتولیک تربیت نماید. کاتولیکها در امر انتقال ایمان خود به فرزندان‌شان جداً احساس مسؤلیت می‌کنند و معتقدند که این بزرگترین هدیه‌ای است که می‌توانند به فرزندان خود ببخشند.

مراسم ازدواج یک شخص کاتولیک با غیرکاتولیک با آیین مذهبی کاتولیک برگزار می‌شود که این آیین می‌تواند با عشای ربانی مخصوص عروسی همراه باشد. البته تمام شرایط باید چند ماه قبل از ازدواج، با کشیش کلیسای محلی، مورد بحث و مذاکره قرار گیرد. ازدواج کاتولیکها طبق قانون خود هنگامی معتبر است که در حضور کشیش کاتولیک در کلیسای خود انجام گیرد. البته اسقف می‌تواند بنا به عللی در بعضی موارد استثناء خاصی درباره این قانون قائل شود.

در بعضی مواقع پیشنهاد می‌شود که فرد غیرکاتولیک آیین کاتولیک را بپذیرد تا از تمام جار و جنجالی که در این نوع ازدواجها پیش می‌آید جلوگیری شود، اما چنین پیشنهادی فاقد ارزش و توجه خاص است، زیرا در صورتی یک شخص می‌تواند به مذهب کاتولیک درآید که واقعاً معتقد به حقیقتی که در کلیسای کاتولیک وجود دارد، شده باشد و همچنین در آینده بخواهد زندگی خود را بر مبنای اصول زندگی یک کاتولیک خوب بنا کند.

به هر حال آنچه که بیشتر از همه درباره یک فرد کاتولیک مطلوب و پسندیده است این است که او باید قبل از ازدواج با تعلیمات و روش زندگی کاتولیک آشنا شود. شخص غیرکاتولیک بعضی مواقع با شناختی که از مذهب کاتولیک به دست می‌آورد خالصانه و صادقانه خواستار قبول آن است، لیکن این چنین تصمیمی فقط می‌باید از یک ایمان محکم مذهبی سرچشمه گیرد. در مراحل آموزش یک فرد غیرکاتولیک، خواه کاتولیک شود یا نه، شناخت عقیده و ایمان کاتولیک به او کمک می‌کند تا فاصله‌ای که ممکن است بین زوج در اثر ناآشنایی به مذاهب یکدیگر به وجود آید، کمتر گردد.

راز برکت ازدواج

۳۳۷- طرح الاهی برای مردان و زنان چیست؟

خدا که محبت است و به خاطر محبتش انسان را آفرید، او را به محبت دعوت کرده است؛ با آفرینش مرد و زن، دعوتشان نمود که در ازدواج به مشارکت عمیق زندگی و محبت متقابل دعوت نمود «به خاطر این، دیگر دو تن نیستند بلکه يك»، خدا به این دو برکت داده و گفت: «بارور و کثیر شوید» (پید ۱: ۲۸).

۳۳۸- خدا به چه هدفی ازدواج را بر پا کرد؟

پیوند ازدواج زن و مرد، تأسیس و تنظیم شده توسط قوانین خالق از راه طبیعی به مشارکت خونی زوجین و هم‌چنین به تولید فرزندان و تربیت آن‌ها معین شده است. طبق طرح اصلی خدا، پیوند ازدواج فسخ ناشدنی است، همان‌طور که عیسی مسیح به آن تأکید کرده است: «آن چه خدا پیوست، انسان آن را جدا نکند» (مر ۱۰: ۹).

۳۳۹- چگونه گناه، ازدواج را به مخاطره می‌افکند؟

گناه اولیه باعث از بین رفتن مشارکتی که خالق مابین زن و مرد قرار داد، بود. در نتیجه اغلب پیوند ازدواج به خاطر اختلاف و نفاق در خطر می‌فتد. با وجود این، خدا با رحمانیت بی‌حد و حصر به مرد و زن فیض می‌بخشد تا وحدت زندگی بخش خود را طبق طرح اصیل خدائی تحقق بخشند.

۳۴۰- تعلیمات عهد قدیم درباره‌ی ازدواج چیست؟

خدا مخصوصاً از راه تعلیم و تربیت تورات و انبیاء به قوم خویش کمک می‌کند تا تدریجاً آگاهی یگانگی و فسخ ناپذیری ازدواج را درک کند. عهد عروسی مانند خدا با قوم خود. عهد نوین را که پسر خدا عیسی مسیح با کلیسا یعنی عروس خود به انجام رساند، پیشنمود و آماده‌سازی آن است.

۳۴۱- مسیح چه تازگی‌ای به ازدواج بخشید؟

عیسی مسیح نه فقط ترتیب آغازین را که خدا خواسته بود دوباره برپا کرد، بلکه فیض مخصوصی به آن می‌بخشد تا ازدواج در تمام نوین و عالی خود در زندگی برپا شود، زیرا این راز ازدواج نشانه‌ای از محبت عروسی مانند عیسا برای کلیسا شده است: «ای شوهران، زنان خود را محبت نمایید، چنان‌که مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشش را برای آن داد» (افس ۵: ۲۵).

۳۴۲- آیا ازدواج برای همه اجباری است؟

ازدواج برای همه اجباری نیست، مخصوصاً خدا بعضی از مردان و زنان را دعوت می‌کند تا در راه بکارت و تجرد جهت ملکوت خدا، عیسی مسیح را پیروی کنند و بدین طریق از این خوبی بزرگ ازدواج چشم‌پوشی نمایند تا نگران امور خداوند باشند و کوشش کنند تا رضایت او را تأمین کنند. این‌طور نشانه‌ی برتری مطلق محبت به مسیح و انتظار پرشور آمدن پرچم او شوند.

۳۴۳- چگونه راز آئین ازدواج برپا می‌شود؟

بدین دلیل که ازدواج، زوجین را در تمام زندگی خاص و علنی در کلیسا برپا می‌کند، آئین این راز علناً با همکاری کشیش و دیگر شاهدان برپا می‌شود.

۳۴۴- موفقیت ازدواج در چیست؟

موفقیت ازدواج، اراده‌ی علنی یک مرد و زن می‌باشد که تصمیم گرفته‌اند متقابلاً و برای همیشه جهت عهد محبت وفادار و بارور، خود را به یک دیگر می‌بخشند. بدین دلیل که موفقیت قسمت اساسی جهت ازدواج می‌باشد، پس ضروری و غیر قابل فسخ است. این موفقیت جهت اعتبار ازدواج باید به قصد ازدواج واقعی باشد و یک عمل واقعاً انسانی با آگاهی و آزادی، دور از هر نوع خشونت یا فشار برپا شود.

۳۴۵- وقتی که یکی از زوجین کاتولیک نباشد، چه شرایطی الزامی است؟

در ازدواج‌های آمیخته (مابین شخص کاتولیک و شخص تعمید یافته‌ی غیر کاتولیک) اجازه‌ی مقامات کلیسا الزامی است تا ازدواج آن دو مشروع باشد. اما ازدواج‌ها با اختلاف دین (مابین شخص کاتولیک و شخص تعمید نیافته) معافیت

لازم دارد تا ازدواج آن‌ها معتبر باشد. در هر صورت باید زوجین اهداف و خاصیت اساسی ازدواج را بپذیرند و زوج کاتولیک تعهداتی را که زوج مقابل باید بداند که از آن جمله است: ایمان به مسیح خود را حفظ کند، تعمید و تربیت کاتولیک بچه‌ها را حفظ کند.

۳۴۶- تأثیرات راز ازدواج چیست؟

راز ازدواج مابین زوجین، ارتباطی دائمی و انحصاری به وجود می‌آورد. خود خدا رضایت زوجین را تصدیق می‌کند. بدین صورت مختوم و مکمل مابین دو شخص تعمید یافته، هیچ‌گاه نمی‌تواند منحل شود. از دیدگاه دیگر این راز به زوجین فیض روح القدس را می‌بخشد تا بتوانند در زندگی زناشویی و در پذیرایی مسئول بچه‌ها و در تربیت آن‌ها به قدوسیت برسند.

۳۴۷- مهم‌ترین گناهان بر ضد راز ازدواج کدامند؟

این‌ها هستند: زنا، تعدد زوجین. زیرا با جلال مساوی زن و مرد و با وحدت و محبت منحصرانه‌ی زناشویی در تضاد است. رد کردن باروری که زندگی زناشویی را از محبت فرزندان محروم می‌کند و طلاق که باعث به فسق کشیده شدن ازدواج می‌باشند.

۳۴۸- در چه زمانی، کلیسا جدایی جسمانی زوجین را تحمل می‌کند؟

کلیسا، جدایی جسمانی زوجین را می‌پذیرد وقتی که هم‌خانگی ایشان به دلیل عوامل مختلف عملاً غیر ممکن شده باشد. با علم به این که کلیسا، به آشتی این دو نفر امید دارد. اما در طول عمر زوج خود، هیچ‌کدام نمی‌توانند تعهدی جدید را برقرار کنند، مگر این که ازدواج اول باطل شده و مقام کلیسا این موضوع را اعلام کرده باشد.

۳۴۹- رفتار کلیسا نسبت به افراد طلاق یافته و دوباره متأهل شده چیست؟

کلیسا با وفاداری به خداوند، نمی‌تواند به عنوان ازدواج، اتحاد اشخاص طلاق یافته و دوباره ازدواج کرده را بپذیرد. «بدیشان گفت: هر که زن خود را طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، بر حق وی زنا کرده باشد و اگر زن، از شوهد خود جدا شود و منکوحه‌ی دیگری گردد، مرتکب زنا شود» (مر ۱۰: ۱۱-۱۲). کلیسا نسبت به این نوع اشخاص باید مراقبتی دقیق نشان دهد و این افراد را به ایمانی زنده، به نیایش و به اعمالی محبت آمیز و تربیت مسیحی فرزندان ایشان دعوت کند. اما مادامی که اوضاع آن‌ها که به صورت حقیقی با اراده‌ی خدا در تضاد است، نمی‌توانند در راز اعتراف و بخشش خدا را بیابند و در آئین سپاس‌گذاری، نان مقدس دریافت کنند و بعضی از مسئولیت‌های کلیسا را به عهده بگیرند.

۳۵۰- به چه دلیل خانواده‌ی مسیح، کلیسای خانگی نامیده می‌شود؟

بدین دلیل که چنین خانواده‌ای، خصلت راز کلیسا را به عنوان خانواده‌ی خدا که اصولاً مشارکت و خانواده‌ی می‌باشد را آشکار می‌سازد. در چنین خانواده‌ای، هر شخص بر طبق نقش خود، کهانت بر طبق تعمید را بر عهده می‌گیرد و همکاری می‌کند تا این خانواده، جماعت پر از فیض و نیایش، آموزشگاه ارزش‌های انسانی و مسیحی و محیط اول اعلام ایمان به فرزندان شود.

دعوت به ازدواج یا رهبانیت

برای یک ناظر خارجی و سطحی، ازدواج به معنی تجمل و وضعیت رهبانی به معنی ناهنجاری فیزیولوژیک است. انسان متوسط که روحی مرفه دارد، نه وقت و نه هوس این را دارد که به مسئله‌ی بکارت توجه کند و در عین حال، خود را بیشتر از آن می‌شناسد که در عمق وجودش، وضعیت ازدواج خود را حقیر شمارد.

باید تا سپهرهای مطلق صعود کرد تا بتوان تمام معنی روحانی این دو وضعیت را تشخیص داد.

یک بلندی تنها از یک بلندی دیگر، حقیقتاً مشخص می‌شود و قله به تدریج با بالا رفتن ما از قله مجاور، عظمت می‌یابد.

راهب حقیقی، اختلاف کیفی که بین ازدواج و ناتوانی در امساک وجود دارد را درک می‌کند و برعکس، وضعیت فیض ازدواج حقیقی، اختلاف کیفی که بین بکارت راهبانه و تجردی که پولس رسول در موردش می‌گفت: «ازدواج کردن بهتر از سوختن است» را قابل درک می‌سازد. اختلاف در هر یک از این دو وضعیت، یک اختلاف فیزیولوژیکی نیست، بلکه اختلاف بین فیض و گناه است. زندگی مسیحی عطیائی است، یعنی خدمتی که در آن هرگز تسلط و قدرت و توافق نیست. در دنیا وضع به گونه‌ی دیگری است. «در بین شما این گونه نخواهد بود؛ هر کس در بین شما بخواهد بزرگ باشد، باید خدمت‌گذار شما باشد و هر کس که مثل این بچه‌ی کوچک فروتن باشد، در پادشاهی آسمان‌ها بزرگ‌ترین خواهد بود». هیئت اسقفان بر آن شهادت می‌دهد و در این کلام زیبا تجلیش می‌کند. «ما سروران ایمان شما نیستیم، ما خادمان شادی شما هستیم».

با وجود تفاوت در تمایلات ذاتی و قریحه‌های روحانی، در میان نوعی بشر، تساوی وجود دارد، چون همه مخلوقند، همه گناه کارند و به نیروی خودشان توانائی ورود به پادشاهی خدا را ندارند. آن‌ها هم چنین در احساس این که مخاطب یک دعوت می‌باشند یکسانند. در غمی مشترک و یگانه «در غم این که مقدس نیستند» یکسانند. آن چه که بزرگ است، چنین یا چنان بودن نیست، بلکه به مقیاس خود بودن، به مقیاسی که خدا نهاده، بودن است.

اگر تردیدی در مورد راهی که باید رفت به وجود آید، این راه، به عنوان راه نیست که انتخاب را مشخص می‌کند بلکه حس دعوت و عطا است. «روح القدس را جست و جو کنید، روزه بگیرید، دعا کنید، خیرات بدهید و هر کس با اتکاء به خودش بیاید که چه باید بکند».

پولس رسول تعلیم دیگری نمی‌دهد: «که هر کس، بر حسب قسمتی که خداوند برایش معلوم کرده است رفتار کند، بر حسب دعوتی که از خدا دریافت کرده»، چون «هر کس از خدا عطایایی خاص دریافت کرده، یکی به این صورت و یکی به صورتی دیگر».

زندگی مقدسین به ما می‌آموزد که وقتی ماکر قدیس، زاهد بزرگ، در بیابان زندگی می‌کرد، فرشته‌ای بر او ظاهر شد و دستور داد به دنبال او به شهری دور برود. وقتی به آن جا رسیدند، او را به خانه‌ی محقری که خانواده‌ای فقیر در آن زندگی می‌کردند وارد کرد. فرشته همسر و مادر خانه را به او نشان داد و گفت که این زن به تقدس رسیده است و به سبب زیستن در صلح و در کمال هماهنگی از زمان ازدواجش و در میان اشتغالات بیشمار روزمره با همه‌ی خانواده‌اش، قلب پاک، فروتنی بزرگ و یک عشق سوزان برای خدا را نگه داشته است و ماکر قدیس از خدا تمنای فیض کرد که در بیابان چنان زندگی کند که این زن در دنیا زندگی می‌کند.

در این روایت منظور این نیست که زندگی رهبانی در مقابل زندگی دنیائی قرار داده شود یا ارزیابی شود بلکه مقصود نشان دادن ارزش مثبت هر کدام و وضعیت فیض آمیز آن است. پافنوس مقدس، قبل از مرگش، هر آن چه که خدا بر او آشکار کرده بود را تعریف کرد؛ به شاگردانش گفت: «نباید در این دنیا کسی را تحقیر کرد، حتا کسانی که در ازدواج متعهد شده اند... چون در این زندگی، تحت هر شرایطی، خدا با جان هایی که به او وفادارند و در خفا اعمالی را که او می پسندد انجام می دهند، ملاقات می کند و این به ما نشان می دهد که شغلی که هر کس انتخاب می کند یا آن چه در طریقه ی زندگی هر کس به نظر کامل می آید نیست که برای خدا پسندیده است بلکه صداقت و آمادگی روحی است».

قدسیت رهبانی و قدسیت زناشویی دو شیب کوه تابور (کوه تجلی مسیح) هستند، انتهای این یکی و آن یکی، روح القدس است آن هایی که از این راه یا از آن راه به قله می رسند، «در آرامش خدا، در شادی خداوند» داخل می شوند و آن جا، دو راهی که برای عقل بشر در تناقض بودند، از درون متحد می شوند و رازگونه، یگانه می گردند.

از همین حالا به اندازه ی کافی عیان است که بهترین و شاید تنها رویه ی تعمق در ارزش ازدواج، تشخیص عظمت معنای رهبانیت است. با نور رهبانیت و در مکتب آن است که تمایل ذاتی زناشویی را درک خواهیم کرد.

اولین اسمی که به ذهن می آید اسم آنتوان قدیس، پدر رهبانیت است (او بین سالهای ۲۵۰-۳۵۰ در مصر متولد شد). هنوز نوجوان بود که توجهش به این کلام خدا متمرکز می شود: «اگر می خواهی کامل باشی، برو، هر چه داری بفروش و به فقیران بده، بیا و مرا دنبال کن و گنجی در آسمان خواهی داشت». کلامی بس غنی در معنی: دعوت به کمال، رفع تملک کامل از خود، عطای خود، عطای وجود و زندگی خود و عریان دنبال کردن مسیح عریان، چنانکه بزرگان روحانی می گویند، بالاخره مشاهده اخروی گنجی در آسمان و غم سوزان دوری از پادشاهی خدا.

آنتوان قدیس ترک دنیا می کند، نه همچون خیال پردازی به دنبال رویائی غیرممکن بلکه تحت فشار روح القدس و او به مانند مسیح بعد از تعمیدش، در بیابان فرو می رود. «او را به بیابان هدایت می کنم و با قلبش سخن می گویم» (هوشع ۲: ۱۴). کلام هوشع چیزی بس مستقیم را تأکید می کند، یک آزادی، یک قرابت اعجازانگیز بین خدا و انسانهایی که قلب ساده دارند. دردناک است که اولین پدران بیابان، قوائدی نمی خواستند چون می ترسیدند قانون را جایگزین آزادی تابناک انجیلی کنند. تعهدی هم نمی کردند، بعدها با آمدن جمعیتی زیاد و مردمی شدن اجتناب ناپذیر، دستور العمل های یکنواختی برقرار شد تا از زیاده روی ها جلوگیری شود و همچنین برای خیریت عامه که به «قله ها دست نمی یابند» آن را ایجاب می کرد.

اسم دومی که به ذهن می‌آید، اسم پاکوم قدیس (۲۵۲-۳۴۶) است. نظامی جوانی که توسط یک اجتماع مسیحی بشارت یافته بود. گذشته نظامی او و تجربه اجتماع مسیحیش، او را پایه‌گذار اولین اجتماع اصولی یک صومعه می‌کند. بعد از مرگ او، شاگردانش، برای اولین بار تعهد رهبانیت را ابداع می‌کنند.

بازیل قدیس (۳۲۹-۳۷۹) ارجحیت را به زندگی رهبانی در جمعی منظم، می‌دهد. این زندگی مشروط است بر:

۱- اشتراک در دارائیه‌ها به مانند اجتماعات رسولانه؛

۲- رقابت در نوع دوستی؛

۳- فقر به عنوان وسیله دست یافتن به آزادی روح.

از نظر تاریخی، رهبانیت قبل از هر چیز، با قاطعترین سرکشی برعلیه شر و تسلطش در دنیا و همچنین با «نه» قاطعانه به هر نوع مسالمت و به هر نوع سازشکاری، توجیه می‌شود. خشونت انجیلیش، رها کردن تمام شکل‌های نامشخص و دو جانبه این دنیا را حکم می‌کرد و تشکیل یک جامعه راهبان را در حاشیه دنیا القاء می‌کرد. غم دوری نسبت به پادشاهی خدا، با جنبه انسانی امپراتوری رم تضاد داشته هر چند این امپراتوری خیلی زود امپراتوری مسیحی دانسته شد.

در درجه دوم باید متذکر بود که در زمان جفاها، ظهور زیاده‌روی در ایمان مسیحی و شهادتش که مثل خار در گوشت جهان فرو رفته بود، به شهیدانی تعلق داشت که کلیسا مثل قلب خود عزیز می‌داشت و آنها را «زخمیان عشق مسیح» می‌نامید. شهید، در مقابل خدا، فرشته‌ها و انسان‌ها «نمایش» می‌دهد و به این ترتیب مسیح را وعظ می‌کند و همچون نشانه‌ای زنده و بس مؤثر از وفاداری کامل نسبت به خداوند، قد علم می‌کند. اوریجن کلامی را انتشار داده که برای همه ما بس دردناک است، او گفته که زمان صلح برای شیطان مناسب است که شهیدان را از مسیح و جلال را از کلیسا می‌رباید. در جان شهید، در تبدیل هیئت زنده او به مسیح مصلوب، حضوری خاص از مسیح وجود دارد. خداوند از شاگردان می‌پرسد: «آیا می‌توانید جامی را که من خود باید بنوشم، بنوشید؟» و رسولان، به نوبه خود، جام را خواهند نوشید. به موجب این کلام، شهید در زندگیش، جام عشاء ربانی را تحقق می‌بخشد. برطبق قدیمی‌ترین سنت، هر شهید، در زمان مرگش سرنوشت راهزن دست راست را دنبال می‌کند و بی‌وقفه به پادشاهی وارد می‌شود.

کنستانتین دوم کلیسا را در تاریخ مستقر می‌کند و به آن یک نظام قانونی و زندگی آرام می‌بخشد، چون آن را تحت حمایت حکومت و قوانین قرار می‌دهد. از این به بعد، شهادتی که شهیدان به لازمه یگانه (یعنی آن نصیب خوب «لو ۱۱:۴۲») می‌دادند، اینک راهبان تمام

وابستگی های دنیوی را زیر پا می گذارند و حتی در این کار زیاده روی می کردند و بدون در نظر گرفتن حال حاضر فقط در جستجوی آخرت بودند. بنابراین «تعمید زهد» جای «تعمید خون» شهیدان را خواهد گرفت.

زندگی زاهدانه بر خلاف هر گونه احساسات رؤیایی، هر موسیقی درونی و هر روان گرائی، قانع و بی آرایش از هر گونه حساسیت گرائی است: تمام تأثرات سلیم به شدت تصفیه می شوند. زندگی زاهدانه تمام پدیده های عینی و حسی را کنار می گذارد و تأثیرپذیری را پس می زند: «اگر یک فرشته بر تو پدیدار شود، از نگاه کردن اجتناب کن و خود را تحقیر نما و بگو من شایستگی دیدن ندارم». راهبی به شیطان که شکل مسیح را گرفته بود، می گوید: «من نمی خواهم مسیح را در اینجا ببینم ولی جای دیگر، در قرن آینده». نیل اهل سینا می گوید: «سعی نکن در حال دعا، شکل یا تصویری را تشخیص دهی». این روش، درونی نمودن زندگی روحانی است که به سوی عدم سکونت به معنای یوحنایی آن، جهت یافته: «ما می آئیم و در انسان مسکن خود را می سازیم». خدا به انسان، از انسان به خودش نزدیکتر است. برای یک تعمید یافته، مسیح، حقیقت درونی وجود اوست.

«اینک بر در ایستاده می گویم. اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند، به نزد او درخواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من» (مکاشفه ۳: ۲۰). این متن که به وضوح از عشای ربانی الهام گرفته، به آئین یا عشای درون گرویده و به مشارکت دائمی، برمی گردد. به عقیده عارفان بزرگ، شخص مسیحی، یک انسان فقیر و یک گدای فیض است. ولی او درمی یابد که فقیرتر و گداتر از او نیز هست، خود خدا، گدای عشق بر درگاه قلب است. بنابراین یک مسیحی کسی است که می شنود و در را باز می کند و غذای فقر متقابل در میهمانی پادشاهی جلوه می کند.

جان، به تمام حقیقتش دست نمی یابد مگر با از خود برگزشتن دائم به سوی «دیگری» وقتی که دیگر مالک خودش نباشد. فروتنی - اطاعت ما را به مسیح مصلوب و مطیع شبیه می کند و این گذشت کامل از هرگونه تملک فیض و روح است.

رهبانیت درون گرای جهان شمول

حالا، این امکان برای ما هست که ارزش های زوال ناپذیر رهبانیت را که با درون گرائی، قابلیت ساخت اصول هر زندگی مسیحی را دارند، برجسته بنمائیم. به آسانی می توان نشان داد که تعهدات رهبانی، یعنی اطاعت و پاکدامنی و فقر در زندگی هر مسیحی یافت می شوند. اطاعت کامل از خدا، هر گونه بسندگی از خود و هر تسلط از طرف دنیا را حذف می کند. کسی که واقعاً از خدا اطاعت می کند، بر دنیا مسلط است، شاهانه آزاد است و از حرمت پادشاهی کاملاً برخوردار است.

پاکدامنی در ساختار روح و در فداکردن رسولانه داشته‌ها و وجود خود یافت می‌شود، این ترک تملک و وقف کامل هستی خود است.

مسکنت روحی، پذیرش کاملاً آزاد یک مسکین در روح در مقابل طرح‌های خداست، نفوذ کردن پیش‌گویانه در آنها که نمی‌خواهد، غیر از «کلام» در دنیا چیزی را بدانند یا دنبال کند، و تنها به یک تملک مایل است، تملک نفس‌های روح.

دعا به عنوان حالت دائمی جان، دعائی که جسم شده است و به طور اعجاب‌انگیزی از هر مشغله، از هر کلامی و از هر عملی، دعایی می‌سازد که نشان زنده حضور خدا است.

بیش از حد به فکر آخرت بودن، آن خوشونتی است که پادشاهی را تصرف می‌کند، فراگیرندگی ایمان که تنها به دنبال یگانه می‌گردد، دنیا را به پادشاهی و عدالت آن بدل می‌کند؛ به نور عاقبت می‌بیند و «شعله‌های چیزها» را نظاره می‌کند. این یک رفتار هستی‌گراست که به طرف نهایت کشیده می‌شود و تنها یک انتظار فعال می‌تواند داشته باشد، آمادگی بازگشت مسیح انسان به واسطه زندگیش، نشان می‌دهد که در خدا چه دیده است. او چنین می‌کند و نمی‌تواند غیر از این بکند، این انسان - شاهد است، در او پادشاهی از حالا حضور دارد و او حتی با سکوت‌هایش، آن را اعلام می‌کند.

کشیشان و تجرد

در جهان غرب کشیشان کاتولیک ازدواج نمی‌کنند و کلیسا نیز تجرد را به عنوان عامل روحانیت و نزدیکی به خداوند تمجید می‌نماید. بعد از اینکه این همه درباره‌ی ازدواج صحبت کردیم شاید مسئله تجرد عجیب به نظر آید و حتی ممکن است بعضی فکر کنند که ازدواج اصلاً اتفاق خوبی نیست! لیکن این مطلب به طور حتم درست نیست: تجرد و باکرگی را فقط می‌توان با کمک خداوند و به خاطر دلایل بسیار مثبت به عنوان راه زندگی برگزید.

کشیشان متأهل بسیاری در سایر کلیساها وجود دارند که با کمک و حمایت همسرانشان صادقانه به خداوند خدمت می‌کنند و به هیچ وجه نمی‌توان منکر این حقیقت شد. اما با وجود آنچه که گفته شد ما معتقدیم که شهادت کشیش مجرد ارجحیت ارزش‌های روحانی را بیشتر نمایان می‌سازد، زیرا نشان می‌دهد که خدا کافی است.

«می‌خواهم بی‌دغدغه خاطر باشید. مردی که ازدواج نکرده، نگران امور خداوند است، چگونه خوشایند خداوند باشد.» (۱-قرن ۷: ۳۲)

«این را برای نفع شما می‌گویم، نه اینکه دمی به روی شما بیندازم بلکه به منظور شایستگی و اینکه بدون کش‌واکش به خداوند پیوند دهد.» (۱-قرن ۷: ۳۵)

تجرد، این امکان را به کشیش می دهد که خود را به طور کامل به صورت یک محبت بی ریا اهدا کند، زیرا فقط یک هدف مدنظر اوست و آن محبت بی همتای الهی می باشد. عملاً احساس می کنیم که خدمت به احتیاجات روحی مردم، تمام فکر و وقت انسان را به خود اختصاص

می دهد. بنابراین کشیش مجرد قادر است بهتر در خدمت کلیسا باشد و قادر به انجام کاری است که برای مرد متأهل ممکن است امکان پذیر نباشد. کشیش مجرد از تشکیل خانواده چشم پوشی کرده و محبت و خدمت خود را وقف صدها خانواده ای نموده که در محل خدمتش هستند. ازدواج یک زندگی اشتراکی است، بدین معنی که شخص همسر و خانواده خود را در وقت و اسرار زندگی و علایق خود شریک می سازد. زندگی یک کشیش دارای جنبه ای است که نمی تواند آن را با هیچکس قسمت کند (ر.ک. ۱- قرن ۷: ۳۲-۳۵).

عیسا نخواست به محبت عروس و داماد خدشه ای وارد شود. پس آب فراوانی را به شراب تبدیل کرد. این شراب نشانه ای از روح القدس است که در عهد جدید اتحاد کاملی بین انسان و خدا برقرار می کند. پس جشن عروسی نشانه ای از جشن آخرت می باشد.

«یهوه صبايوت در این کوه برای همه قومها ضیافتی از لذایذ برپا خواهد نمود یعنی ضیافتی از شرابه‌های کهنه از لذایذ پر مغز و از شرابه‌های کهنه مصفا» (اش ۲۵: ۶).

تجرد به معنی چشم پوشی از ازدواج نیست، بلکه معنای آن وقف و تخصیص زندگی یک فرد به خداوند و قوم اوست. کشیش با برگزیدن تجرد، در این جهان به دنیای جاودانی شهادت می دهد، یعنی جایی که نه زن می گیرند و نه شوهر می کنند ... (ر.ک مت ۲۲: ۳۰). قلب او به جای دیگری تعلق دارد، به خداوند و ملکوتش. بنابراین ممکن نیست که آن را با انسانی دیگر تقسیم نماید. او می داند که این دعوت فقط از عده قلیلی به عمل می آید و مهم است که این عده به دعوت خداوند جواب مثبت دهند. اکثر مردم به تقدس از راه وفاداری در زندگی زناشویی دعوت شده اند و این وفاداری شهادتی به اهمیت تجرد کشیش است.

«آرزوی من این است که شما از هر نوع نگرانی به دور باشید. مرد مجرد به امور الهی علاقمند است و می خواهد خداوند را خوشنود سازد، اما مرد متأهل به امور دنیوی علاقمند است و می خواهد همسر خود را خوشنود سازد و به این سبب او به دو جهت کشیده می شود ...» (۱- قرن ۷: ۳۲-۳۴).



«شراب عروسی تمام شده بود» (یو ۳:۲)

گفتاری از پاپ بندیکت شانزدهم

پاپ بندیکت شانزدهم در نامه‌ی خود با عنوان «خدا محبت است» در تاریخ ۲۵ دسامبر ۲۰۰۵، پس از توضیح این که تحقیر تن و جنسیت انسان رفتاری مسیحی نیست، ادامه می‌دهد (شماره ۵ و ۶):

«همیشه ایمان مسیحیان، انسان را به عنوان موجودی واحد و دوگانه که در آن روح و ماده با هم در تداخل هستند می‌داند و بدین صورت، هر دو اصالت جدید را تجربه می‌کنند. البته عشق می‌خواهد ما را در حالتی خالصه وار به سوی خدا بالا برده و ما را بالاتر از خود راهنمایی کند. اما درست به همین علت است که راه تلقی انصراف‌ها، تزکیه‌ها و شفاها الزامی است.

« چگونه می‌توانیم این راه پذیرفته و تزکیه را عملاً در نظر بگیریم؟ چگونه عشق باید در زندگی جاری شود تا عهد انسانی و خدایی به تکامل برسد؟ می‌توانیم در «غزل‌ها» آن کتاب عهد قدیم که عرفا آن را به خوبی می‌شناسند، راهنمایی اول و مهم را پیدا کنیم. منشأ اشعاری که در این کتاب

نوشته شده است، بر طبق تفسیر معاصر، سرودهایی عاشقانه می باشد که احتمالاً به جهت جشن های عروسی یهودیان در نظر گرفته شده بود، تا محبت زناشویی را یادآور شوند.

«از فحوای این کلام، دو کلمه ی مختلف را در ارتباط با عشق که در این کتاب خوانده می شود که معانی بزرگی هم داراست، برداشت می شود. ابتدا کلمه ی «دودیم» پیدا می شود که کلمه ای جمع است و علاقه ای را بیان می کند که هنوز مشخص نشده و در حالت جست و جویی سردرگم است. این کلمه ی اول با کلمه ی «احب» که در ترجمه ی یونانی عهد قدیم به کلمه ی مشابه «آگاه» ترجمه شده، کلمه ای که بیانگر طرز فکر خاص کتاب مقدس درباره ی محبت می شود. این اصطلاح در تضاد با علاقه ی نامشخص و باز در جست و جوی سردرگم، تجربه ی محبت را بیان می کند که در آن وقت، کشف واقعی شخص مقابل بسیار بالاتر از جنبه ی خودخواهی قبلی است. در آن زمان، محبت مراقبت شخص مقابل و در خدمت شخص مقابل می شود و در جست و جوی خود و غوطه ور شدن در مستی خوشحالی نمی باشد. برعکس در جست و جوی نیکویی های شخصی محبوب می رود. بنابراین این محبت به از خودگذشتگی می رساند و به قربانی خود حاضر شده، حتا آن را می طلبد.»

این حرکت، جزئی از تقلی های محبت به سوی مراحل بالاتر و تزکیه های عمیق تر آن محبت است که حال هویت درونی خود را می جوید. البته این هویت دائمی، دو معنا دارد. هویت انحصاری «فقط این شخص» و هویت دائمی «تا به ابد». این محبت تمام هستی در همه ی ابعاد خود را از جمله بعد زمان در بر می گیرد. نمی تواند طور دیگری شود، زیرا هدف عهد خود ساختاری قطعی دارد تا به سوی ابدیت برسد. البته محبت خلصه وار می باشد. اما این خلصه به معنای لحظه ی مستی نیست، بلکه خلصه به عنوان راه یا خروج همیشگی از خود، از بسته شدن در خودخواهی به سوی آزاد شدن توسط بخشیدن خود، بنابراین به سوی کشف راز خود و بیشتر کشف راز خدا است:

«هر که می خواهد زندگی خود را حفظ کند آن را از دست خواهد داد و هر که آن را از دست دهد، آن را به دست خواهد آورد» (لو ۱۷:۳۳)، همان طور که عیسا در یک جمله ای مشابه در اناجیل مختلف فرمود (مت ۱۰:۳۹، ۱۶:۲۵؛ مر ۸:۳۵؛ لو ۹:۲۴؛ یو ۱۲:۲۵) در واقع عیسا این گونه راه خود را که با عبور از صلیب به سوی رستاخیز او را می رساند، راه بذر گندم که در زمین افتاده می میرد تا بدین صورت ثمره ی بسیار آورد. ولی با این جمله اصول محبت و زندگی انسان را به طور کلی تشریح می کند، با مرکزیت آن در قربانی خود و محبتی که با این قربانی به کمال می رسد.»

تقدیس ازدواج

یا

چگونه کانون زناشویی سلول تن مسیح می‌شود

در مراسم ازدواج همان مراحل را مشاهده می‌کنیم که در مراسم تعمید و آیین مقدس وجود دارد:

۱- تقدیمی

۲- یادبود یعنی به خاطر آوردن و قدردانی از کارهای شگفت خدا نسبت به زوجین

۳- دعای طلب نزول روح القدس یا یاری خواستن از روح القدس تا آن چه را به خاطر آورده شده هم

اکنون با حقیقت پیوند دهد

۴- مشارکت در راز نان و شراب و سهیم شدن زوجین در حیات ملکوت

۱- تقدیمی

کلیسا در آیین راز قربانی مقدس، نان و شراب را به خدا تقدیم می‌نماید: طی مراسم ازدواج، کلیسا عروس و داماد را در حالی به خدا هدیه می‌کند که آنان نیز خود را به یکدیگر و هر دو با هم خود را به خدا تقدیم می‌نمایند. تقدیمی ازدواج در قول وفاداری که عروس و داماد به یکدیگر می‌دهند بیان می‌شود و هم چنین دادن انگشتری که نشانه ای از وفاداری می‌باشد.

۲- یادبود (Anamnesis)

یادبود، در آیین راز قربانی مقدس به معنای به یاد آوردن و قدردانی تمام اعمال نجات بخش مسیح است. برگزاری مراسم ازدواج، عبارت است از یادآوری کارهای شگفتی که خدا برای زوج های مقدس از ابراهیم و سارا تا یهوایقیم و حنا که تولد مریم عذرا را ممکن ساختند انجام داد و از این طریق، امکان قبول پسر خدا توسط بشریت فراهم آمد:

این یادبود هم چنین یادآوری ازدواج عیسا با کلیساست که نمونه ای اسرارآمیز برای اتحاد مرد و زن می‌باشد و بالاخره یادآور عروسی قانای جلیل است که طی آن مسیح اولین نشانه ی خود را انجام داد. در این عروسی چون شراب تمام شده بود عیسا بنا به درخواست مادرش آب بی رنگ و بی مزه را به «شراب خوب» قرمز و قوی تبدیل نمود و بدین ترتیب شادی را به مجلس برگردانده همه چیز را با حضور معجزه آسای خود تغییر داد: خدا تن گرفت تا همه چیز را تغییر دهد و زندگی جسم را مقدس گردانده، وارد زندگی روزمره ی انسان ها شود.

۳- دعای طلب نزول روح القدس (Epiclese)

دعای طلب نزول روح القدس در آیین راز قربانی مقدس دعایی است که در آن از خدای پدر درخواست می‌شود که روح القدس خود را بر روی نان و شراب نازل نموده آنها را به بدن و خون مسیح تبدیل نماید.

همین طور در مراسم ازدواج، دعای طلب نزول روح القدس دعایی است که در آن از خدای پدر درخواست می شود که روح القدس خود را برای «گزاردن تاج جلال و افتخار» بر روی مرد و زن نازل گرداند (در این حال کشیش، تاج ها را بر سر آنها قرار می دهد) و زوج را به سلول زنده بدن مسیح تبدیل نماید.

روح القدس حقیقتاً فرود می آید تا با حضور خود محبت آنها را تاجگذاری نموده با چشمه ی محبت یعنی خود خدا وصلت دهد «زیرا خدا محبت است» (۱-یو ۴:۸).

بدین سان تحقق شباهت الاهی در زوجین به انجام می رسد چون خدا انسان را «به صورت خود و موافق شبیه خود ساخت» و «ایشان را نر و ماده آفرید» (پیدا: ۱، ۲۶، ۲۸). او آنها را بدین جهت آفرید که هر دوی آنها که توسط عشق و محبت وصلت می یابند به یک تن تبدیل گشته یکی شوند همان طور که نمونه ی الاهی آنها سه شخص در یک خداست. به این ترتیب روح القدس به مرد و زن امکان می دهد که به تدریج مانند خدا و به صورت اشخاص راستینی درآیند که تنها، اگر با هم دیگر مشارکت کنند تا یکی شوند با علم به این که دونفر می باشند شخصیت واقعی خود را پیدا خواهند نمود.

پس از تاجگذاری، عروس و داماد از فرط شادی به دور انجیل که نمایانگر حضور مسیح است پایکوبی می کنند و طی دعایی اشعیای نبی و شهیدان مقدس به یاری طلبیده می شوند: - تا اشعیای نبی از تحقق یافتن نبوت خود شاد شود. آیا او چنین نبوت نکرده بود: «اینک باکره حامله شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند» (اش ۷: ۱۴)؟ عمانوئیل یعنی خدا با ماست.

اینک زوجین جدید که تاجگذاری و تقدیس شده اند عمانوئیل را در قلب خود می پذیرند چون کلام خدا در بطن زوجین حضور یافته است، کلامی که تن گرفت و در ضمن در این زوج تجسم یافت آنان را به صورت «کلیسای کوچک» و سلولی زنده از بدن مسیح در می آورد.

- شهیدان مقدسی که «پس از مبارزات شجاعانه، تاج جلال الاهی بر سرشان نهاده شده است» به یاری زوج های جوان طلبیده می شوند تا بتوانند مبارزه را چنان ادامه دهند که سرانجام شایسته ی دریافت تاج باشند: چون زندگی آسان نیست و مستلزم تلاشی سخت و دوری از خودخواهی است، زندگی، صلیبی راستین و شادی آفرین و ریاضتی می طلبد که توسط آن انسان برای خود می میرد تا برای دیگری زندگی کند. مقایسه ی زناشویی با شهادت به هیچ وجه طعن و استهزاء نیست چون محبت کردن از خودگذشتگی می باشد (افس ۵: ۲۵-۳۳). از این راه، روح القدس به زوجین اجازه میدهد که به تدریج، مانند خدا اشخاص واقعی بشوند که تنها، اگر با یک دیگر مشارکت کنند تا یکی شوند با علم به این که او می باشند، در این صورت شخص واقعاً انسانی خواهد بود.

در کلیسای خاورمیانه، تاجگذاری عروس و داماد، مهم ترین نیایش در آیین راز ازدواج می باشد. در کلیسای بیزانس، همزمان با این تاجگذاری، این گونه دعا کرده، روح القدس را می طلبد: «*خداوند! این دو شخص را به یادآور همان گونه که همه ی شاهدانت را یادآوری کرده ای و تاج آسمانی را به ایشان بخشیده ای*». محبت زوجین، محبت کامل و متقابل است که شخص را ملزم می سازد در مشارکت با محبت مسیح که بر صلیب مصلوب شد و بر کرسی پادشاهی جهان رسید، از راه خون ریخته شده خود، کلیسا که عروس او شده است، با فیض و عطایای گران بها تاجگذاری می کند.

بنابراین، در پرتو راز قربانی مسیح، داماد و عروس به راه مشابه به شاهدان مسیحی دعوت شده اند و برای این که هر دو بتوانند بدون هیچ طمع از دیگری و طلب لذت از یک دیگر خود را کاملاً به یک دیگر بدهند باید بر امیال جسمانی خود تسلط یافته تا پادشاه شوند. در نتیجه می توان درک نمود که این محبت عظیم بدون روح القدس امکان پذیر نیست. بنابراین، راز ازدواج در کلیسا بدون نیایش کشیش یا اسقف و ایمان داران امکان پذیر نیست.

۴- مشارکت در راز نان و شراب

آیین راز قربانی مقدس با مشارکت همگان در راز نان و شراب خاتمه می یابد. مراسم راز ازدواج نیز به همین طریق پایان می پذیرد. مرد و زن که به وسیله روح القدس متحد شده اند در عیسا وصلت می نمایند و هر دو با هم از طریق مشارکت در آیین راز قربانی مقدس جزو بدن مسیح می شوند. تا قرن پانزدهم رسم بر این بود که زوجین نان قربانی مقدس را که قبلاً توسط کلیسا تقدیس شده بود در طی مراسم ازدواج مبادله نمایند. جام شرابی که زوج ها پس از خواندن دعای «ای پدر ما»، می نوشند، شاهد بر این رسم قدیمی است. زوجین با مشارکت خود در راز نان و شراب در هر یکشنبه به هدف غائی ازدواج که همانا ورود دو نفر در راز مسیح یا به عبارت بهتر ورود تمام خانواده آینده در این راز است را تحقق می بخشد.

نباید فراموش شود که محبت خلاق است و وصلت زن و مرد طبیعتاً به آفرینش فرزندان به دست خدا و از طریق محبت زن و شوهر می انجامد. تولید فرزندان برکتی است خدایی که در طی مراسم ازدواج مصرانه از خدا درخواست می شود. راز ازدواج، اساس ایجاد کلیسای خانوادگی است که اعضای آن یعنی زوجین و فرزندان از این به بعد با هم در مسیح به سوی ملکوت مبارک او قدم برخواهند داشت.

درست است که روح القدس به وسیله ی راز ازدواج، محبت زناشویی را تقدیس می نماید ولی نباید فراموش کرد که از هنگامی که یحیی تعمید دهنده برای خلوت کردن با خدای یکتا در بیابان انزوا گزید و در سال ۳۰۰ قدیس آنتوان کبیر همین کار را در مصر انجام داد، عطش خدا هرگز از دعوت بعضی اشخاص که طالب سیراب کردن خود فقط با چشمه ی محبت خود خدا در سکوت و تنهایی بودند خاموش نشده است.

شکوفایی انسان در رابطه‌ی خاص با این محبت شدید یعنی زندگی رهبانی به اندازه‌ی شکوفایی وی در محبت زناشویی، همیشه مورد احترام کلیسا بوده است.

از زندگی راهبان مصر علیا و کوه سینا و بیابان‌های فلسطین تا راهبان کوه آتوس و راهبان امروز، در کشورهای مختلف دنیا سنت دو هزار ساله‌ی برای زندگی رهبانی در کلیسا به وجود آمده است. در مبارزه کلیسا با دشمن درونی، دیرها دژهای راستین مبارزه می‌باشند. کلیسا مخصوصاً در دیرها از قدرت‌های الهی تغذیه می‌کند که بعداً در میان کل بدن کلیسا انتشار می‌یابد.

پس ازدواج و زندگی رهبانی دو شیوه مختلف و مکمل مشارکت در محبت خدا می‌باشند چون هر دو، حالتی از زندگی مذهبی هستند هر دو شیوه‌ی مکمل برپا کردن فیضی که در راز تعمید یافته ایم: زوج تقدیس شده توسط راز ازدواج در میان مردم به خوشبختی شهادت می‌دهند چون عیسا در میان ما هست. اما راهبان دور از مردم به انتظار آمدن پر جلال او شهادت می‌دهند: بیا خداوند ما بیا (مکا ۲۲: ۲۰).

دست گذاری زوجین: بیا ای روح القدس تا از تو محبت را یاد بگیریم

در آئین کلیسای لاتین، زوجین حلقه‌ای که کشیش آن را برکت داده به عنوان نشانه‌ای از عهد ایشان با یکدیگر مبادله می‌کنند. اما در آئین کلیساهای شرق، این نشانه از زمان نامزدی که تعهدی مهم می‌باشد، استفاده می‌شود. هنگام اجرای آئین ازدواج در شرق مهم‌ترین نشانه، تاج گذاری زوجین توسط کشیش می‌باشد، اما به چه معنا؟ در تمدن‌های کهن، تاج نشانگر پیروزی و ورزشکار یا فرماندهی ارتش می‌باشد، بنابراین در کلیسا نیز نشانگر تقدس و به نوبه‌ی خاص حضرت مریم و شهیدانی که در رستخیز مسیح شریک‌اند. با تاج گذاری بر سر زوج همراه با تمامی حاضران: از خدا روح القدس را می‌طلبند. در واقع تنها روح القدس می‌تواند این زوج را به محبت کامل و به آن شهادت که برای هر شخص شامل انکار کردن خود است تا بتواند کاملاً خود را به همسرش تقدیم نماید. همین‌گونه که مسیح بر صلیب کاملاً خود را تقدیم نمود (افس ۵: ۲۵) می‌باشد.

شهادت محبت، زوج را در نتیجه‌ی همکاری متقابل و گام به گام در کوشش از خودگذشتگی، وفاداری، تقدیم خود و باروری به صورت جزئی کوچک از کلیسای خانگی تبدیل شده به ملکوت می‌رساند.

تنها روح القدس می‌تواند، هم چون ازدواج به محبتی که فراتر از عشق و محبت انسانی می‌باشد برساند. آیا هم چون ازدواج همراه با دگرگونی روزمره و وفاداری در طول زندگی، سخت‌تر از مرگ خشن یک شهید مسیحی می‌باشد؟ حداقل می‌توان گفت که ازدواج در مسیحیت راهی سهل و آسان نمی‌باشد و رسولان در برابر توقع مسیح نسبت به وفاداری زوجین و رد نمودن طلاق، تعجب نموده می‌گفتند: «اگر حکم شوهر با زن چنین باشد، نکاح نکردن بهتر است» (مت ۱۹: ۱۰).

تنها روح القدس می تواند هم راز محبت در ازدواج و هم چنین در زندگی رهبانی را به ما بفهماند. پس در برکت ازدواج نیایش مهم تر طلب روح القدس بر این زوج تاج گذاری شده می باشد.

نیایش از عبادت کلیساهای شرقی به مناسبت راز ازدواج

شماس: برای خادم خدا، زوج... تاج گذاری می شود.

کشیش: (با علامت صلیب) به نام پدر و پسر و روح القدس. ای پدر قدوس، از راه این تاج گذاری که نشانه ای از پیروزی می باشد، فرزندان را از هرگونه بردگی لذت جویی، خودخواهی و تکبر آزاد فرما تا در پاکی و وفاداری پیشرفت کند و بتواند زوجه ی خود را محبت کند به مانند عیسیای مسیح که کلیسای خود را محبت می کند؛ آن را از طریق همان یکتا پسر تو و خداوند و داماد پادشاهی ما می طلبیم.

همه: آمین.

شماس: برای خادم خدا زوجه... تاج گذاری می شود.

کشیش: ای پدر قدوس...

و بتواند زوج خود را محبت کند به مانند عیسیای مسیح که کلیسای خود را محبت می کند؛ آن را از طریق همان یکتا پسر تو و خداوند و داماد پادشاهی ما می طلبیم.

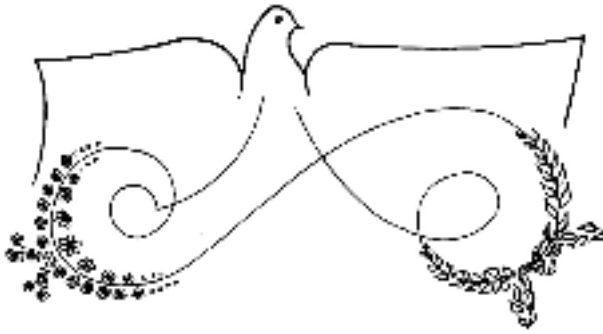
همه: آمین.

کشیش: ای پدر قدوس، تو که همه ی عادلان پیشین، از آدم و حوا تا نوح، از ابراهیم و سارا تا زکریا و حنا را برکت دادی، هم چنین این جماعت کلیسایی و مخصوصاً این دو فرزندان را برکت ده. بر این دو، در طول زندگی شان آرامش خاصیت را فراوان گردان و با رحمت خود تمام عمرشان را برکت ده تا به اراده ی تو وفادار بمانند. فرزندان متعددی به ایشان واگذار کن تا با اقتباس از مهربانی تو آنان را در ایمان و خوش حالی فرزندان گسترش دهند. باشد که همیشه این زوج و این خانواده به تو جلال و افتخار، سپاس، پرستش دهند، ای پدر قدوس، از راه یکتا پسر عیسا مسیح. زوجین: خم گردیده آواز می خوانند: خدای قدوس، قدوس و قادر، قدوس و جاودان، بر ما رحمت فرما.

کشیش: ای عیسیای مسیح، خداوند ما و داماد آسمانی ما، تو بر صلیب، خون خود را به عنوان جهیزیه و هدیه ی عروسی به کلیسای خود عطا فرمودی تا با او عهد خود را صحه بگذاری. تو به انسان زخمی شده به واسطه ی عمل گناه، تولد نوینی در راز گذر خود ارزانی فرمودی و دوباره او را به صورت خود شکل دادی تا بتوانند محبت نمایند، به ما رحمت فرما.

زوجین: خداوندا، درب رحمتت را بر ما بگشا.

کشیش: ای عیسی مسیح، خداوند ما و داماد آسمانی ما، تو در جشن عروسی فانای جلیل شرکت نمودی و به آب تطهیر برکت دادی تا به شراب خوبی که قلب انسان را شاد می سازد تبدیل شود. تو تمام امت ها را دعوت کردی و بر سر سفره ی خود آنان را نشاندی تا در تو خوشحال شده و آرامش و آشتی و هماهنگی با تمام خلقت را بازیابند، بر ما رحمت فرما.



زوجین: خداوندا درب رحمت را بر ما بگشا.

کشیش: با دست گذاری بر زوجین، روح القدس بیاید و کاملاً آنان را که تاج گذاری شده اند تقدیس فرماید و بر این خانواده ی نوین بماند، همان طوری که کلیسای مقدس را هر روزه رهبری کرده و آن را از هرگونه بی وفایی حمایت می کند. او که آن باکره، مریم مقدس را دور ساخته تا یکتا پسرش را به دنیا دهد، هرگونه مرض روحانی یا جسمانی را شفا داده به این زوج بارداری و خوشبختی را بخشد و بستر زناشویی را بی عیب نگاه داشته و به این زوج، قدرت شریک شدن در محبت پاک و وفادار دهد، همان طوری که به شهیدان اقتدار شهادت دادن با خون خود، توسط صلیب عیسا، یکتا سرچشمه ی زندگانی و روح القدس می دهد.

همه: خداوند روح القدس خود را بفرست تا چهره ی نوینی به زمین بخشد.

کشیش: با دست گذاری بر زوجین، آتش روح القدس قوم عهد قدیم را به سوی سرزمین موعود رهبری کرده، هم چنین به سوی ملکوت و حجله ی عروس آسمانی، این زوج را که با تاج جلال تعمید آراسته شده اند رهبری کند. باشد که همان آتش روح القدس، قلب ایشان را کاملاً پاک ساخته، پاک دامنی به ازدواجشان بدهد و از این راه در همکاری با مسیحیان وقف شده در بکارت برای همه شاهدانی گویا شوند، از راه محبت بی حد خدای قدوس، پدر و پسر و روح القدس.

همه: خداوند روح القدس خود را بفرست تا چهره ی نوینی به زمین بخشد.

کشیش: ای خداوند قادر مطلق، همراه با این زوج جدید، کلیسای مقدس تو را از میان آزمایشهای سخت این دنیا، ولی با قدرت نان مقدس سخن و تن تقسیم شده ی پسرت، به سوی شکوه ملکوت

رهبری نما که در آن همراه با همه ی مقدسین جلال تو را خواهیم ستود، ای خدای یکتا و یکتا محبت کامل و ای تنلیث اقدس سرچشمه و سرمشق هر محبت واقعی، ای پدر قدوس همراه با یکتا پسر ت ناجی ما و روح مدافع ما تا ابدالابد.

همه: آمین، آمین، آمین.

درباره ی تقدیس ازدواج بیشتر تعمق نماییم.

- ۱- اهداف ازدواج کدام می باشند؟
- ۲- با در نظر گرفتن این هدف چرا لازم است در کلیسا این راز برقرار شود؟ چرا کافی نیست این عهد در حضور مسئولان شهر اجرا شود؟ و چرا این هم لازم است؟
- ۳- معنی تاجگذاری بر سر زوجین کدام می باشد؟
- ۴- چرا برای دو نفر مسیحی ازدواج کرده، طلاق غیر ممکن می باشد؟ (ر.ک افس ۵: ۲۱-۳۳).
- ۵- اگر پسر یا دختر به شما می گوید، می خواهم راهب یا راهبه شوم، چه عکس العملی دارید؟
- ۶- اگر تصمیم دارید که فقط یک پسر و یک دختر داشته باشید، آیا اجازه خواهید داد که یکی از این دو راهب شود؟ وگرنه آینده ی کلیسای تو چه خواهد بود؟
- ۷- اسقف یا کشیش اگر زوجین نمی خواهند بچه دار شوند، نمی تواند به آن ها برکت ازدواج بدهد. چرا؟

کتاب برای مطالعه ی بیشتر:

- ازدواج آئین برکات زوج
- ازدواج راز مقدس، رازهای هفتگانه
- موفقیت در زندگی زناشویی
- راز محبت
- راز ازدواج
- دعوت به ازدواج یا رهبانیت
- مجمع اسقفان واتیکان دوم «شادی و امید شماره ی ۴۷-۵۲»
- فرهنگ عهد جدید صفحه ی ۷۹ (ازدواج)
- فرهنگ الاهیات کتاب مقدس جلد اول صفحه ی ۷۸ (ازدواج)
- فرهنگ الاهیات کتاب مقدس جلد اول صفحه ی ۱۳۵ (بکارت)